

دستگیری اوباش پارک ملت گرگان

گروه حوادث: یکی از اوباش شهر گرگان که در پارک ملت این شهر با سلاح سرد به سمت مأموران حمله‌ور شده بود پس از دستگیری با دستور مقام قضایی در خیابان‌های گرگان گردانده شد. چند روز قبل یکی از اوباش سابقه‌دار شهر گرگان پس از ارتکاب جرم در یکی از پارک‌های این شهر با سلاح سرد به سمت مأموران حمله‌ور شده بود که با سرعت عمل مأموران پلیس زمین گیر و با دستور مقام قضایی در خیابان‌های مرکزی شهر گردانده و معرفی شد.



پلیس تحت حمایت کامل دستگاه قضایی است

مهدی رزاقی نژاد، معاون دادستان گرگان در گفت‌وگو با خبرنگاران در خصوص این موضوع اظهار کرد: دستگاه قضایی با جدیت با مخلان نظم و امنیت برخورد خواهد کرد و این امر جزء دستورات عملی‌های جدی دستگاه قضایی است. به همین منظور نیز طرح‌های محکمی را از نیروی انتظامی درخواست داشته‌ایم که طی روزهای آینده طرح‌های ضربتی مقتدرانه‌ای برای برخورد با اراذل و اوباش در سطح استان بخصوص در شهر گرگان برگزار خواهد شد. اراذل و اوباش بدانند از سوی دستگاه قضایی قرارهای تأمین سنگین و احکام قضایی سنگینی در انتظارشان خواهد بود.

معاون دادستان گرگان تصریح کرد: پلیس به‌صورت کامل تحت حمایت دستگاه قضایی است و ما درخصوص برخوردهایی که از سوی نیروی انتظامی با اراذل و اوباش صورت می‌گیرد به‌صورت کامل پشتیبان نیروی انتظامی هستیم و از نیروی انتظامی نیز تقاضا داریم هیچ‌گونه ممانعتی در برخورد با اوباش نداشته باشند.

رزاقی نژاد تأکید کرد: پلیس با قدرت و با جدیت در برخورد با اراذل و اوباش و مجرمان باعث وارد عمل شده و به هیچ عنوان با افرادی که با استفاده از سلاح‌های ایجاد ناامنی می‌شوند ممانعت نکرده و با حداکثر ابزارهای قانونی با این افراد برخورد کنند.

جنایت مرموز در آپارتمان واحد ۴

گروه حوادث: تحقیقات برای رازگشایی از قتل دختر جوانی که ۴۸ ساعت پس از مرگ، جسد او در خانه‌اش پیدا شده بود به دستور بازپرس جنایی آغاز شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۰:۴۵ شب یکشنبه ۱۷ بهمن مأموران کلانتری ۱۲۷ تارمک در تماس با بازپرس محمدرضا صاحب‌جمعی از قتل دختر جوانی خبر دادند.

با اعلام این خبر، بازپرس جنایی و تیم بررسی صحنه جرم با حضور در طبقه چهارم، با جسد دختر ۳۴ ساله‌ای مواجه شدند که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود و روی گردن او را با اسید سوزانده بودند. متخصصان پزشکی قانونی زمان قتل را حدود دو روز قبل اعلام کردند. نامزد فرنگیس که موضوع را به پلیس گزارش کرده بود در تحقیقات گفت: با فرنگیس در دانشگاه آشنا شدم. ۵ سال قبل باهم نامزد کردیم، او به تنهایی زندگی می‌کرد و پنجشنبه گذشته با من تماس گرفت و گفت شخصی زنگ خانه‌اش را می‌زند اما کسی پشت در نیست. تلفنی با او صحبت کردم و از او خواستم در آکاردیونی خانه را قفل کند. او ادامه داد: فردا صبح هم از من خواست که کلید در آکاردیونی را برایش بپریم. از دیشب که در آفل کرده بود داخل خانه محبوس شده بود. کلید را برای او بردم و بعد هم به خانه رفتم. تا اینکه یکشنبه شب مادرش با من تماس گرفت و گفت هر چه با فرنگیس تماس می‌گیرد، هر دو خطش خاموش است. مادرش گفت که شب قبل با فرنگیس صحبت کرده و آن از آن به بعد از او خبری ندارد. خودم هم او را تماس گرفتم اما تلفن‌هایش خاموش بود، ساعت حدود ۹ و نیم شب بود که به خانه فرنگیس رسیدم. خودرواش مقابل در بود. وارد ساختمان شدم. زنگ زدم ولی در باز نکرده. کلیدی که داشتم در را باز کردم. در قفل بود و همیشه فرنگیس کلید را روی می‌گذاشت اما آن شب در فقط قفل بود. با ورود به خانه با جسد فرنگیس مواجه شده و بعد هم به او رزاقی نژاد زنگ زدم.

به دستور بازپرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی پایتخت تحقیقات برای رازگشایی از قتل دختر جوان ادامه دارد.

مجازات افرادی که خودرو در اختیار کودکان قرار می‌دهند

گروه حوادث/افرادی که خودرو را در اختیار افراد زیر ۱۸ سال و بدون گواهینامه قرار دهند، به عنوان «معاون در جرم رانندگی بدون پروانه» در محاکم قضایی تعقیب و مجازات می‌شوند.

سرهنگ عین‌الله جهانی، معاون اجتماعی و فرهنگ ترافیک پلیس راهور با بیان این مطلب به ایرنا گفت: بر اساس قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات ماده ۷۲۳، اگر فردی بدون گواهینامه، مبادرت به رانندگی کند علاوه بر اینکه خود فرد متهم بوده و مجازات می‌شود، افرادی هم که خودرو را در اختیار فرد فاقد گواهینامه قرار می‌دهند نیز به عنوان معاون در جرم رانندگی بدون پروانه در محاکم قضایی تعقیب و مجازات می‌شوند بنابراین، این گونه نباشد که سوئیچ خودرو را به طور متلا در اختیار فردی صغیر قرار دهیم که گواهینامه ندارد.

سرهنگ جهانی اظهار داشت: البته زمانی نیز رابطه سببی و نسبی بین این افراد برقرار نیست و فقط فردی خودرو را در اختیار راننده بدون گواهینامه قرار داده و شخص فاقد گواهینامه، حتی بزرگسال باشد. والدین نیز در صورت قرار دادن سوئیچ خودرو به فرزندانشان به واسطه مسئولیت‌های قانونی که در قبال فرزندان خود دارند، مسئول خواهند بود و باید در محاکم قضایی پاسخگو باشند.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا فرد زیر ۱۸ سال در صورت رانندگی و بروز حوادث جرحی و فوتی مقصر شناخته می‌شود، گفت: بله؛ این گونه افراد به دستور اطفال معرفی می‌شوند و در آنجا به پرونده رسیدگی می‌شود حتی مواردی، افراد یادشده، بعضاً به نگهداری در مراکز مخصوص مراقبتی و نگهداری افراد زیر ۱۸ سال محکوم شدند؛ این مراکز شمایل زندان ندارد اما به نوعی زندان برای آنها محسوب می‌شود.

سرهنگ جهانی درباره قوانین مربوط به رانندگی غیرمجاز افراد زیر ۱۸ سال افزود: آمارهای تحلیلی سال گذشته نشان داد ۱۸ درصد جانباختگان سوانح ترافیکی، زیر ۱۸ سال سن داشتند و این افراد معمولاً کودکانی هستند که در تصادفات مقصر و مسبب نیستند بنابراین به این فکر افتادیم پوشش ۱۸، ۱۸ را راه‌اندازی و بنیوامین جان کودکان و نوجوانان را حفظ کنیم.

گروه حوادث/ مرد جوان که به خاطر اختلافات ملکی دوستش را کشته و پس از محاکمه به قصاص محکوم شده بود با گذشت ۱۵ سال از این ماجرا با تلاش واحد صلح و سازش دادسرای جنایی تهران و یکی از نیکوکاران موفق شد با پرداخت دیه رضایت اولیای دم را جلب کند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، کشف جسدی داخل خودروی نیسان آبی در منطقه حسن آباد، اسلامشهر آغازگر این پرونده جنایی بود. وقتی گزارش کشف جسد ساعت ۱۱ صبح پنجشنبه ۹ آبان سال ۸۵ به تیم جنایی اسلامشهر اعلام شد آنها با حضور در محل با جسد مرد جوانی روی صندلی خودرو مواجه شدند در حالی که طنابی زرد رنگ دور گردنش پیچیده شده بود. پزشکی قانونی علت اولیه مرگ را خفگی اعلام کرد.

از آنجا که هیچ مدرک هویتی همراه مقتول نبود و استعلام شماره پلاک خودرو نیز نشان داد که خودرو متعلق به مقتول نیست، تحقیقات ادامه یافت اما در بازرسی از نیسان وان، برکه جرم‌های پیدا شد که هویت قربانی روی آن ثبت شده بود و بدین ترتیب، هویت مرد جوان به نام فرزند برما شد.

دستگیری تنها مظنون
با شناسایی هویت وی مأموران راهی خانه‌اش شده و همسر مقتول در تحقیقات گفت: همسرم خودروی نیسان یکی از دوستانش را گرفته

ایمن نبودن پل موقت روستایی حادثه ساز شد مرگ غم انگیز پدرو دختر در سقوط خودرو به رودخانه تجن

گروه حوادث/همزمان با کشف اجساد پدرو دختر ۳ ساله‌اش که به علت سقوط خودروی او در رودخانه تجن ناپدید شده بودند با دستور ویژه رئیس کل دادگستری استان مازندران، دادستان مرکز استان به‌عنوان مدعی العموم پیگیر این حادثه شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، شامگاه شنبه ۱۶ بهمن یک دستگاه خودرو پراید با سه سرنشین در حال عبور از وی پل موقت روستای گلورد ساری بود که به علت بارندگی شدید و زرد آب رفتن پل ناگهان خودرو به داخل رودخانه سقوط کرد. افرادی که شاهد این حادثه بودند بلافاصله موضوع را به امدادگران آتش‌نشانی و اورژانس خبر داده و تا رسیدن مأموران خودشان نیز دست به کار شده و موفق شدند به سختی یکی از سرنشینان خودرو را که خانم جوانی بود از آب بیرون بکشند. اما تلاش برای پیدا کردن پدرو دختر ۳ ساله خانواده بی‌نتیجه ماند.

به گزارش روابط عمومی مرکز اورژانس پیش بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی مازندران ساعت ۲۱:۲۳ شب شنبه ۱۶ بهمن با اعلام خبر این حادثه به مرکز ارتباطات اورژانس مازندران، آمبولانس پایگاه اورژانس تاکام به محل حادثه واقع در محور تاکام، عبور روستای گلورد نیش پیچ اعزام شدند. نخستین بررسی‌ها نشان داد داخل خودرو پدرو و مادر و کودک ۳ ساله شان که همگی از اهالی روستا بودند، حضور داشتند با وجود تلاش بسیار پدرو ۵۰ ساله و دختر ۳ ساله به‌نام سوگل پیدا نشدند اما مادر ۴۰ ساله خانواده که با کمک اهالی و سایر نیروهای امدادی از داخل آب بیرون کشید و مصدوم شده بود، بعد از انجام اقدامات درمانی پیش بیمارستانی اولیه به بیمارستان بوعلی سینا شهرستان ساری منتقل شد.

کشف اجساد
سیدسلمان ابوالقاسمی، رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری ساری که در جریان علت این حادثه تصریح کرد: بر اساس شواهد موجود، آب رودخانه تجن بر اثر بارندگی و سیلاب بالا آمده

آزادگی مرد اعدامی پس از ۱۵ سال

آمد. از آنجایی که از فروشنده خبری نبود و من واسطه این ماجرا بودم، مقتول مدام به سراغم می‌آمد. روز حادثه هم بعد از اینکه از خانه خارج شدم به محل کارم رفتم و کارگرم نیز شاهد ماجرا است. حتی آن روز چک حقوق کارگرم را دادم و او می‌تواند شهادت دهد که من روز حادثه تمام مدت با او بوده‌ام.

در ادامه تحقیقات، کاراگاهان به سراغ هوشنگ، کارگر بایک رفتند. اما هوشنگ در تحقیقات اظهارات صاحبکارش را رد کرد و گفت: ساعت ۱۰ صبح گذشته بود و من در حال کار کردن بودم که بایک آمد و چکی به من داد و گفت این حقوق است و اگر کسی از تو در مورد من سؤال کرد، بگو از صبح اول وقت اینجا بودم.

اعتراف به قتل
با اظهارات کارگر جوان، تحقیقات از بایک دوباره انجام شد و این بار به قتل اعتراف کرد: با فرزند سر خرید زمین آشنا شدم، اما فروشنده ملک را به او تحویل نداد و سر همین مسأله مدام مقتول به سراغم من می‌آمد. صبح روز حادثه برای رفتن به محل کار از خانه خارج شدم و به انتظار

بودم و من و واسطه این ماجرا بودم، مقتول مدام به سراغم می‌آمد. روز حادثه هم بعد از اینکه از خانه خارج شدم به محل کارم رفتم و کارگرم نیز شاهد ماجرا است. حتی آن روز چک حقوق کارگرم را دادم و او می‌تواند شهادت دهد که من روز حادثه تمام مدت با او بوده‌ام.

در ادامه تحقیقات، کاراگاهان به سراغ هوشنگ، کارگر بایک رفتند. اما هوشنگ در تحقیقات اظهارات صاحبکارش را رد کرد و گفت: ساعت ۱۰ صبح گذشته بود و من در حال کار کردن بودم که بایک آمد و چکی به من داد و گفت این حقوق است و اگر کسی از تو در مورد من سؤال کرد، بگو از صبح اول وقت اینجا بودم.

رضایت به شرط دیه
با اعترافات متهم پرونده پس از تکمیل تحقیقات به دادگاه کیفری استان تهران رفت و با توجه به درخواست اولیای دم، قضات رأی بر قصاص دادند. با تأیید این حکم در دیوانعالی کشور پرونده برای اجرا به شعبه چهارم اجرای احکام دادسرای امور جنایی پایتخت ارجاع شد. حدود سه سال قبل وقتی مرد زندانی برای

اجرای حکم پای چوبه دار رفت واحد صلح و سازش دادسرای جنایی تهران با برگزاری جلسات متعدد با خانواده مقتول در نهایت موفق شدند پای چوبه دار رضایت اولیای دم به شرط دریافت دیه را جلب کنند.

با گذشت سه سال از این مهلت برای پرداخت دیه خانواده مرد زندانی موفق شدند که مقداری از دیه را تهیه کنند اما ۳۰ میلیون تومان از مبلغ کم بود. این بار نیز واحد صلح و سازش مستقر در دادسرای امور جنایی پایتخت وارد عمل شده و با کمک یکی از نیکوکاران توانستند این مبلغ را فراهم کنند بدین ترتیب با پرداخت دیه کامل به اولیای دم، مرد جوان پس از ۱۵ سال حبس آزاد شد و به زندگی بازگشت.



اجرای حکم پای چوبه دار رفت واحد صلح و سازش دادسرای جنایی تهران با برگزاری جلسات متعدد با خانواده مقتول در نهایت موفق شدند پای چوبه دار رضایت اولیای دم به شرط دریافت دیه را جلب کنند.

با گذشت سه سال از این مهلت برای پرداخت دیه خانواده مرد زندانی موفق شدند که مقداری از دیه را تهیه کنند اما ۳۰ میلیون تومان از مبلغ کم بود. این بار نیز واحد صلح و سازش مستقر در دادسرای امور جنایی پایتخت وارد عمل شده و با کمک یکی از نیکوکاران توانستند این مبلغ را فراهم کنند بدین ترتیب با پرداخت دیه کامل به اولیای دم، مرد جوان پس از ۱۵ سال حبس آزاد شد و به زندگی بازگشت.

واژگونی مینی بوس در جاده شیراز

گروه حوادث: واژگونی مینی بوس حامل کارکنان شرکت گل پونه در جاده شیراز ۱۱ مصدوم برجگذاشت.

حسن همتی، سخنگوی اورژانس فارس در تشریح این حادثه گفت: ساعت هفت و ۴۴ دقیقه صبح دوشنبه یک خودروی مینی بوس مربوط به کارکنان شرکت گل پونه، در کمربندی روبه‌روی سلطان آباد شیراز واژگون شد و در این حادثه ۱۱ نفر مصدوم شدند.

با اعلام این حادثه به اورژانس بلافاصله ۷ دستگاه آمبولانس اورژانس به محل حادثه اعزام شد و همه مصدومین به بیمارستان شهید رجایی شیراز منتقل شدند.



هیچ خبری از او ندارم. با اظهارات تکان دهنده متهم و در راستای تحقیقات بیشتر، مأموران به منطقه اعلام شده رفتند و استعلام‌های لازم را انجام دادند اما ردی از بیچه به دست نیامد. در ادامه تحقیقات مادر سیمنا از همسر جدید ناصر به اتهام آدم ربایی و از ناصر به اتهام معاونت در جرایم ارتکابی شکایت کرد. بعد از آن مأموران به سراغ زن جوان رفتند و او در بازجویی‌ها گفت: من هیچ دخالتی در کار ناصر نداشتم. من فقط به او گفتم خودم فرزند دارم نمی‌توانم فرزند دیگری را بزرگ کنم و از ناصر خواستم او را به مادرش برگرداند.

با تکمیل تحقیقات برای ناصر به اتهام قتل فرزندش و برای همسر چهارم‌ش به اتهام معاونت در جنایت کیفرخواست صادر و پرونده آنها برای رسیدگی به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در ابتدای جلسه پدر ناصر به جایگاه رفت و گفت: با اینکه در ابتدا اعلام گذشت کرده بودم ولی حالا خواهان اشد مجازات برای پسر، مادر سیمنا و همسر چهارم پسر هستم. پس از آن مادر سیمنا به جایگاه رفت و عنوان کرد که از ناصر و همسرش شکایت دارم و حاضر به مصالحه هم نیستم. سپس ناصر به جایگاه رفت و گفت: من قصد کشتن دخترم نبود و اگر فشارهای همسر چهارم نبود هیچگاه دست به این کار نمی‌زدم. همسر چهارم متهم هم با رد اتهامش گفت: من از ناصر نخواستم بلایی سر دخترش بیاورد فقط خواستم او را به مادرش تحویل دهم. در پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

واگذار کنم اما حاضر به این کار نشدم چون می‌دانستم که او برای چهارمین بار ازدواج کرده است و نمی‌خواستم دخترم زیر دست نامادری بزرگ شود اما همسر سابقم گفت که یا ۱۰۰ میلیون تومان پول به او بدهم یا سیمنا را با خودش می‌برد. چند روز بعد او سیمنا را از راه مدرسه تحویل گرفت و برد و از آن به بعد هم دیگر دخترم را ندیدم. هر بار که با ناصر تماس می‌گرفتم و می‌خواستم تا صدای دخترم را بشنوم یا او را ببینم با بهانه‌ای جواب منفی می‌داد که در نهایت احساس کردم او چیزی را از من مخفی می‌کند و بلایی سر دخترم آورده است. پس از ثبت این شکایت، ناصر ۴۲ ساله احضار شد و تحت بازجویی قرار گرفت اما گفت چند ماه قبل بیچه را به مادرش تحویل داده و از او خبری ندارد.

پس از ثبت این شکایت، ناصر ۴۲ ساله احضار شد و تحت بازجویی قرار گرفت اما گفت چند ماه قبل بیچه را به مادرش تحویل داده و از او خبری ندارد.